



به وقت نوازشِ معصومانه ترین آیات خدا

سرمقاله

فاطمه نیک سرشت

چندسال پیش در خاطرات بانو غاده چمران، همسر شهید مصطفی چمران، خوانده بودم که ضمن دعوت شدن برای همکاری در موسسه نگهداری از کودکان یتیم لبنان، تقویمی از سازمان امل هدیه می گیرد؛ تقویمی با دوازده نقاشی بر روی آن.

یکی از نقاشی ها زمینه ای کاملاً سیاه داشت و در میان این سیاهی شمع کوچکی می سوخت که نورش در مقابل آن ظلمت، بسیار کوچک بود. زیر نقاشی به عربی شعری نوشته شده بود: «من ممکن است نتوانم این تاریکی را از بین ببرم، ولی با همین روشنایی کوچک فرق ظلمت و نور، حق و باطل را نشان می دهم و کسی که دنبال نور است؛ این نور هرچقدر کوچک باشد، در قلب او بزرگ خواهد بود.»

این نقاشی و این نوشته هر دو به قلم شهید مصطفی چمران، آزاد مردی که آن روزها زندگی اش را وقف کودکان یتیم لبنانی کرده بود.

چمران و آن روح عظیم و این آرمان بلند، برای من خلاصه شد در مفهوم دغدغه داشتن و احساس مسئولیت کردن؛ چمران خلاصه شد در کوشش برای دم زدن از حق، حتی به قدر سوسوی شمع.

چمران اراده کرده بود در مقابل تضییع حق مظلومان به قدر وسع مانع شود.

چمران خلاصه شد در نفی سکوت و سکون در برابر ظلم و یاری رساندن به کسانی که توانایی دفاع از حق خود را ندارند.

چه کسانی بی‌پناه تر و مظلوم تر از کودکان معصومی که صدای دردها و غصه هایشان، در هیاهوی بی رحم زمانه ی ما گم شده است. بی تردید حاصل آرزوی شاگردی در مکتب آزادگانی چون شهید مصطفی چمران، تلاش برای پایان یافتن اجحاف در حق کودکان است.

تقدیم به بانو نرگس کلباسی

ادامه در صفحه ۳

سال هاست که روح تمام انسان‌های بیدار از شنیدن اخبار ناگواری از جمله آزار جنسی کودکان کار و آمار فاجعه بار آن در کشور، آزار و اذیت جسمی و روحی کودکان بدسپرست و بی سرپرست آزرده می شود، لکن نهادهای مسئول همچنان در انجام اقدامی اساسی برای ریشه کن کردن این مشکل کوتاهی می کنند. درحالی که تنها یک مورد، و فقط یک مورد از این همه فجایع رخ داده در این زمینه، برای خون گریستن، بیدار شدن و همت گماردن بر اصلاح اوضاع کافی است.

به کرات شاهد گزارشات تلخی از ستم بر کودکان بی پناه و ظلم وارده بر کودکان کار و خیابان هستیم، سوال بی جواب تمام این سال‌ها این است که چرا کشوری با ثروت و درآمد کافی و از آن مهمتر داعیه حکومت عدل الهی و اسلام رحمانی و با شعار بلندبالای حمایت از مستضعفان و مظلومان، هنوز که هنوز است نتوانسته مشکل بی پناه ترین و آسیب پذیر ترین قشر جامعه خود، یعنی «کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسپرست» و «کودکان کار و خیابان» را حل کند؟

این تعلل و اجحاف در نظام اسلامی ما با کدام وجدان آگاه و قلب دلسوز قابل توجیه است؟ آیا تاکنون اهمیت رسیدگی به اوضاع کودکان در معرض آسیب در نهادهای متولی امر روشن نگردیده است و آیا ایشان از عواقب جبران ناپذیر آن در امروز و آینده کودکان و تأثیر ناگزیر آن بر جامعه بی خبرند؟

آیا پس از گذشت ۴۰ سال و با وجود ده‌ها سازمان حمایتی با بودجه‌های کلان از محل درآمدهای ملی، اعم از سازمان بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد برکت، سازمان هدفمندی یارانه‌ها و غیره، وقت آن نرسیده است که چاره‌ای نتیجه بخش برای حل مشکلات کودکان معصوم کشورمان اندیشیده شود؟ اولویت برنامه ریزی، اجرا و هزینه کردن بودجه اختصاص یافته به نهادهای مذکور، به عنوان مثال بهزیستی، در این سال‌ها چه بوده است که آینده سازان این کشور هنوز از آن بی بهره اند؟ آیا دولت و نهادهای تحت امر آن تاکنون نتوانسته اند تمهیدات لازم برای اختصاص بودجه و هزینه کافی برای حل این مشکل را ببینند یا نقص مدیریتی، عدم دلسوزی کافی و فقدان احساس مسئولیت در مدیران و مسئولان ذیربط سبب این شده است که این معضلات هنوز که هنوز است لاینحل بماند؟ سازمان امور اجتماعی به عنوان بالاترین مرجع رسیدگی بهتر و دقیق تر به مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی که به منظور مدیریت و نظارت بر این آسیب‌ها احداث و زیر نظر وزارت کشور فعالیت می کند، تاکنون نسبت به رسیدگی به معضل کودکان کار تا چه اندازه موفق عمل کرده است؟

از سوی دیگر آیا قوه محترم قضاییه و مقام دادستانی به عنوان مدعی العموم در مقابل این ظلم‌ها اقدام متقابل شایسته انجام داده است؟ و آیا وظیفه خود را در قبال مظلوم ترین قشر جامعه و اعاده ی حقوق از دست رفته شان به درستی به انجام می رساند؟ در حالی که طبق قانون هرگونه کودک‌آزاری جرم عمومی تلقی شده و قوه قضاییه نسبت به رسیدگی به آن مسئول است.

از طرف دیگر اعضای خانه ملت تاکنون از قدرتمندترین اهرم موجود یعنی قانون که در دست دارند به گونه ای موثر استفاده کرده اند؟ تا شاهد تلخ‌ترین اخبار از ستم‌ها و آسیب‌های وارده به کودکان نباشیم؟ آیا بازوهای نظارتی مجلس تاکنون از دیگر ارگان‌ها درباره کوتاهی‌هایشان در قبال آسیب پذیرترین قشر جامعه پرسش کارآمد نموده است؟ آیا نمایندگان ملت تمام تلاش خود را برای وضع قوانین سریع،

محکم، قاطع و نظارت دقیق بر اجرای آن در حمایت از کودکان مظلوم کشورمان به کار گرفته اند؟

باری آنچه نگارنده سعی دارد بر آن تأکید ورزد، مطالبه مصرانه از تمام نهادهای مربوطه، تمام مسئولین ذیربط و تمام وجدان‌های آگاه، دلسوز و حق شناس جامعه برای انجام اقدامات موثر و نتیجه بخش در حل مشکلات کودکان و نوجوانان کشورمان است.

سرنوشت لایحه ی حمایت از کودکان و نوجوانان

علیرغم این که انتظار می رود حمایت از کودکان و نوجوانان از اهم امور مورد توجه مسئولین مربوطه باشد، شاهد آن هستیم که این لایحه، یعنی لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، در سال ۹۱ به صورت یک شوری تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی شد و تاکنون اجرایی نشده است.

این در حالی است که ایران از سال ۱۳۷۲ با قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، رسماً این کنوانسیون بین المللی را که مقبول ترین سند حقوق بشر تاریخ می باشد پذیرفته و از سال ۸۸ وزارت دادگستری عهده‌دار مسئولیت آن است.

به کرات شاهد گزارش هایی از ظلم به کودکان کار هستیم.

– سازمان امور اجتماعی تاکنون نسبت به حل معضلات کودکان کار موفق بوده است؟!

– قوه قضائیه و دادستانی نسبت به اعاده حقوق این کودکان موفق بوده است؟!

– مجلس از اهرم های نظارتی و قانون گذاری به خوبی بهره گرفته است؟!

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در انتظار نظر شورای نگهبان است.

بیش از ۸۰۰ سازمان مردم نهاد فعال در حوزه کودکان کار و خیابان وجود دارد که بی دریغ می کوشند. و ای کاش تمام آنانی که می شنوند انعکاس تظلم خواهی کودکان بی پناه باشند.

لایحه ی حمایت از کودکان و نوجوانان در حالی بی سرانجام مانده است که ضرورت و نیاز به تکمیل، تصحیح در صورت نیاز، تصویب و اجرای دقیق و موثر آن در جامعه به وضوح احساس می شود. اما گویی اهمیت رسیدگی به این مهم در سایه تاریک غفلت به فراموشی سپرده شده است. با اینکه هر روز و شب جامعه شاهد حضور کودکان کار در محیطی که هرگز مناسب روح و جسم لطیف آنها نیست است و مکرراً اخبار دردناکی از فشارها و آزارهای وارده به ایشان قلب‌ها را به درد می آورد.

سازمان های مردم نهاد

تمام آنچه دنیا را به جایی بهتر برای زیستن تبدیل می کند، حس شریف نوع دوستی و پایبندی به اخلاق انسانی بوده و هست. آنجا که آدمی بی چشمداشت بار مسئولیت

را بر دوش خود احساس می کند و اراده می کند که حتی به قدر سر سوزنی در اصلاح آن چه دور از حق و انسانیت است بکوشد.

سازمان های مردم نهاد و خیریه های تشکیل شده به منظور حمایت از کودکان و نوجوانان، سال‌هاست تلاش می کنند تا سایه شوم زور و ستم را از سر کودکان و نوجوانان دور کنند.

طبق آمار ارائه شده بیش از ۸۰۰ سازمان مردم نهاد فعال در حوزه کودکان کار و خیابان وجود دارد که بی دریغ می کوشند حتی به قدر روشن کردن یک شمع در زدودن تاریکی موثر واقع شوند.

آنچه در میان فعالیت‌های این نهاد های مردمی بدیع و قابل توجه به نظر می‌رسد، آغاز حرکت به سمت ایجاد آگاهی در کودکان و آموزش «چگونگی مراقبت کردن از خود» به آنهاست. این اقدام از این رو ارزشمند است که نه تنها با پشت کردن به تابو های ناصحیح جامعه، قدمی مهم در تصحیح فرهنگ ارتباط با کودکان و آموزش آنها برداشته است، بلکه سبب می شود تا زمانی که نتوانسته ایم شرایط لازم برای رفاه و امنیت کامل ایشان را فراهم آوریم، لاقبل امید داشته باشیم که با داشتن آگاهی لازم و مناسب بتوانند تا حدودی خود را از آسیب حفظ کنند.

کودکان باید نسبت به حریم خصوصی و حقوق مادی و معنوی خود آگاه، و نسبت به سلامت جسمی و روحی خود حساس باشند.

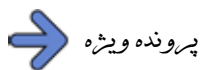
لذا آنچه این روزها بیش از گذشته مهم می نماید، تبیین محتوای مناسب به منظور آگاه سازی کودکان و آموزش چگونگی حفظ حریم و حقوقشان به آنهاست.

بی شک حمایت از کودکانی که سال‌های شیرین عمرشان را آفتاب تابستان پشت چراغ قرمزها سوزانده و رویاهایشان در سرمای شب‌های زمستانی منجمد شده از اوجب واجبات هر جامعه ایست. چرا که کودکان به سبب ناتوانی در دفاع و مراقبت از خود و نداشتن اطلاعات و امکانات لازم، بیش از هر قشر دیگری در معرض آسیب قرار دارند و بی‌شک هرگونه آسیبی که دامن گیر کودکان یک جامعه باشد، آینده تمام آن جامعه و حتی نسل بعد آن‌ها را نیز تهدید خواهد کرد.

بر هیچ وجدان آگاهی پوشیده نیست که تمام کودکان مستحق برخورداری از امنیت روحی، جسمی، اجتماعی، بهره مندی از رفاه حداقلی، شرایط تحصیلی مناسب و پرورش یافتن در سایه محبت و آرامش هستند.

در حالی که کودکان کار، کودکان بدسپرست و بی سرپرست نه تنها رویاهای کودکانه شان را با دست های کوچک و خسته خود دفن کرده اند، بلکه از حداقل حقوق فردی و اجتماعی خویش نیز بی بهره اند. کودکان معصومانه ترین آیات آفرینش الهی، نه طنین صدای شان بلند، نه زوری در بازوان تحریف شان نهفته است.

اما می شود فریاد خاموش دردهای شان را از دریچه‌ی چشم‌های بی پناهشان شنید؛ و ای کاش تمام آنانی که می‌شنوند انعکاس تظلم خواهی کودکان بی‌پناه باشند، شاید که روزی طنین این صدا به گوش کسانی برسد که باید این مشکلات را چاره کنند.



پرونده ویژه



تقدیم به بانو نرگس کلباسی اشتری

میدانی بارها با خود فکر کرده ام اگر هر کدام از ما فقط کمی سعی می کردیم شبیه او باشیم زندگی حتما روی خوش تری به همه ما نشان می داد.

جملاتش در ذهنم تکرار می شود: « همیشه با خودم می گفتم من باید بدبخت ترین آدم های دنیا را که در بدترین شرایط هستند پیدا کنم و بروم تا کمکشان کنم! » رفته بود و پیدا کرده بود! وقتی که فقط یک دختر تنهای ۲۱ ساله بود.

زیباترین سال های جوانی اش را عاشقانه و بی دریغ صرف کودکانی کرده بود که با زندگی بیگانه بودند.

به نرگس فکر می کنم؛ به اینکه گفته بود آرزویش رفتن به خانه ی خداست و من باور داشتم که قلب او، حتما خانه خداست.

به نرگس فکر می کنم؛ به الگوی بارز انسانیت در روزهای شلوغ دنیای پر هیاهوی ما

به این که می گفت: « می دانستم تنها چیزی که مرا خوشحال می کند خدمت کردن در دنیا است. احساس درونی عمیقی از عشق و بخشش بود، هیچ چیز نمی توانست متوقفم کند. این عشق و بخشش هنوز هم هست، بیشتر تجربه اش می کنم. پر قدرت تر است. »

نوشته بود: « نرگس هیچ چیز نیست، عشق و اشتیاق است که اهمیت دارد و اینها درون همه وجود دارد. آنقدر قدرت زیادی در عشق وجود دارد که برای انجام هر کاری بخواهیم انجام دهیم کافست ... »

به نرگس فکر می کنم و آرزو می کنم که در تمام دغدغه ها و آرزوهایش با او شریک شویم.

و در آخر، این شماره از نشریه را با تمام عشق به کودکان و با تمام عشق به نرگس، به قلب مهربان او تقدیم می کنیم.

بزرگ شدی
آندرز زود

که کودکی ات را پشت چهارراه با جا گذاشتی

زیبایمت

بوی نان می دهد

بوی عطریگار پدر

بوی چرخ قمر فر

دلبایت

شب با جای حروف الفبا

آیه های التماس را زمزمه می کنند

از زمستان پیش روت ترس

باران هوای جوانه های گندم را دارد

و بر کجنگ های پی پناه

آرام تر سلیک می کنند

از زمستان پیش روت ترس

هر چه فال بایت خیس تر باشد

آینده یان قشنگ تر است

سید جواد میری

پیراهنی که آید از او بوی یوسفم

ترسم برادران غیور ش قبا کنند*

سکانس اول - داخلی: خانواده ای معتقد دور یک سفره ی افطار نشسته اند. تلویزیون روشن است. مجری روده درازی (که تو گویی صداوسیما ارث پدرش است) با چهره ای محزون می گوید که برنامه ای ساخته تا قهرمانان قشر ضعیف جامعه را پیدا کند. چند پیرمرد و پیرزن بیچاره را روی صندلی نشانده اند و از قبل بهشان گفته اند شما فقط گریه کنید، مجری خودش داستان را پیش می برد.

مجری بعد از مسئولیت سنگین یافتن قهرمانان قشر ضعیف جامعه، مسئولیت آزادی زندانیان را بیان می کند و شماره حساب پدرش را زیرنویس می کند.

مادر خانواده شماره حساب را یادداشت می کند چون مجری بسیار تاکید کرده که این کار خیر محسوب می شود.

در انتهای برنامه، مجری یک موسسه ی قرض الحسنه معرفی می کند که بسیار معتبر است و از این طریق کار خیرتان هزار برابر می شود.

پدر خانواده اسم موسسه ی قرض الحسنه را یادداشت می کند.

سکانس دوم - خارجی: پدر خانواده در موسسه ی قرض الحسنه ی مذکور در حال باز کردن حساب است. پدر خانواده به کار خیر فکر می کند.

سکانس سوم - ساختمان تلویزیون: مجری برنامه ی یافتن قهرمانان قشر ضعیف جامعه، پاکتی با نام موسسه ی قرض الحسنه ای که دیشب معرفی کرد را دریافت می کند. مجری پاکت را باز می کند. مجری خوشحال است. مجری دیگر اشک نمی ریزد. مجری می خندد. (که تو گویی به ریش کسی)

سکانس چهارم - خارجی: پدر خانواده جلوی موسسه ی قرض الحسنه ی مذکور ایستاده است. مردم صف کشیده اند. موسسه ی قرض الحسنه بسته شده است. پول های مردم در جیب کسی غیر از خودشان است. پدر خانواده به کار خیر فکر می کند.

سکانس پنجم - داخلی: خانواده ی معتقد دور یک سفره ی افطار نشسته اند. تلویزیون روشن است. مجری برنامه ی یافتن قهرمانان قشر ضعیف جامعه در برنامه ی دیگری ست. مجری محزون است. مجری می گوید که چیزهایی که معرفی می کند را نمی شناسند و اگر جیب مردم را جیب پدر خود می پندارند، به او مربوط نیست. مجری به مردم نمی گوید که متاسف است. مجری به مردم می گوید که به فکر آزاد کردن زندانیان باشید و شماره حساب پدرش را زیرنویس می کند. مادر خانواده شماره حساب را یادداشت می کند.

سکانس آخر - ساختمان تلویزیون: مردی پشت میز بزرگی نشسته است. مجری یافتن قهرمانان قشر ضعیف جامعه وارد می شود. دستهای مرد را می بوسد و می گوید پدر همه چیز تحت کنترل ماست. پدر لبخند می زند. مجری می خندد (که تو گویی به ریش کسی).

* حافظ



« نشریه پویش »

نشریه مستقل اجتماعی، فرهنگی، صنفی، سیاسی و مذهبی

دانشگاه علوم پزشکی جهرم

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: عارف گلستان جهرمی

دبیر عکس: زهرا علیپور

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

زهرا علیپور، محمد فلاح، نجمه ظهوری، عارف گلستان، فاطمه نیک سرشت

می توانید پویش را در تلگرام و اینستاگرام با آدرس @Pouyesh دنبال کنید.

سیاست ←



آری شفافیت نه

FATF متنی بود که حاشیه آن سر نوشت ساز تر خواهد شد

انتخابات مجلس و ... را در کارنامه دارد. از همین رو نیز نایب رئیس مجلس گفت: «اگر آرای نمایندگان به طرح‌ها و لوایح اعلام عمومی شود، نماینده در حوزه انتخابیه خود مورد آزار و اذیت گروه‌های فشار قرار می‌گیرد یا به موجب نظارت استصوابی حق او در انتخابات بعدی ضایع می‌شود. به همین جهت ممکن است در محذور واقع شود و رای واقعی خود را اعمال نکند، در حالی که نماینده باید در ابراز رای خود آزاد باشد؛ لذا اینجانب این طرح را امضا نکردم و به فوریت آن هم رای ندادم.»

مبنای سیاست فکر و محاسبه است، نه مدیریت ایدئالیسم. ایدئالیسم سیاست نیست و نوعی جزمیت است. لذا با توجه به ساختاری که منجر به برگزیده شدن نماینده می‌

گردد به نظر می‌رسد می‌بایست هر یک از ما موافق شفافیت عملکرد، حضور و غیاب و ... نمایندگان مجلس باشیم؛ و از سویی با شفافیت آرای نمایندگان نیز مخالف باشیم تا قشر خاکستری مجلس بتواند بدون هراس آزادانه تر به فعالیت بپردازد.

* کتاب پیشوایی فراتر از زمان - محمود سریع القلم

مطبوعات در دهه ۷۰، یکشنبه سیاه در دهه ۸۰، برجام و در همین آخرین مورد CFT را نام برد.

مجلس عصاره ملت است. اکثریت مردم را نیز قشر خاکستری تشکیل می‌دهند و چپ‌ها یا راست‌های پایبند، شجاع، با منطق و یا دو آتشه همیشه در اقلیت هستند. مجلس نیز چنین است. در مجلس

نمایندگان اصلاح طلب شجاع و صریح و یا نمایندگان اصولگرای صریح و دو آتشه در اقلیت اند و اکثریت را نمایندگانی تشکیل می‌دهند که برای هر حرکت منافع خود، تأیید/رد صلاحیت‌های بعدی

و بازخورد رفتارشان بر افکار عمومی حوزه انتخابیه شان را به دقت محاسبه می‌کنند.

بی‌شک حق مسلم مردم و افکار عمومی است که از آرا و عملکرد نمایندگان خود اطلاع داشته باشند اما آنچه‌ای که معادله مردم سالاری و انتخاب‌های بی‌واسطه را نا متعادل می‌سازد نظارت استصوابی است؛ نظارت استصوابی سابقه رد صلاحیت آیت الله هاشمی رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری، آیت الله سید حسن خمینی برای انتخابات مجلس خبرگان، مصطفی معین برای

چهار لایحه‌ی موسوم به FATF توانست دو قطبی جدی میان مسئولین و میان مردم ایجاد کند؛ کنوانسیون که توسط G7 پایه‌گذاری شده است و در سراسر دنیا ۳۷ عضو دارد و با ۳ عضو ناظرش، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و اندونزی، بیشتر حساسیت بر انگیز است.

همزمان با بررسی این لوایح طرح شفافیت آرا نمایندگان در صحن مجلس کلید خورد. این طرح ابتدا توسط محمد جواد فتحی، نماینده اصلاح طلب تهران، تقدیم هیئت رئیسه مجلس شد و سپس با طرح حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده جبهه پایداری شاهین شهر، ادغام شد.

آن چیزی که در روزهای اخیر مورد مخالفت مجلس واقع گردید «دو فوریت» بررسی طرح مذکور بوده است و نه اصل طرح؛ لذا می‌توان گفت تاکنون مجلس شورای اسلامی طرح شفافیت آرا را نه تصویب نموده است و نه رد!

در نیکی و تأثیرات مثبت شفافیت رأی نمایندگان، حضور و غیاب در صحن علنی و کمسیون‌های مجلس، سفرهای نمایندگان و ... اگر تا ۵ صفحه دیگر نیز سخن بگوییم کم است اما در این مجال می‌خواهیم تأثیرات منفی طرح شفافیت نمایندگان را بیشتر بررسی کنیم.

در طول عمر هر مجلسی طرح‌ها، لوایح، رأی‌اعتمادها، استیضاح‌ها و ... جنجال برانگیزی به صحن علنی می‌آیند که بالقوه می‌توانند جامعه را دو قطبی کنند و همچنین تصویب یا عدم تصویب آنان تأثیرات چشم‌گیری بر مسیر حرکت کشور می‌گذارند. برای نمونه نیز می‌توان به قانون